فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران
سال یازدهم، شماره بیست و هشتم، زمستان ۱۴۰۰

نوع مقاله: پژوهشی
دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۲۳
پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲
صفحات: ۵۸-۴۷
10.52547/mmi.1743.13991112

واکاوی کتیبه آب مباح در مسجد جامع اصفهان

عبدالرضا کارگر* فاطمه قنبری شیخ شبانی**

چکیده

کتیبه وقف آب مباح در مسجد جامع اصفهان، یکی از وقف‌نامه‌های ارزشمند دوره صفویه است. مضمون کتیبه، اشاره به نام امیر اصلان بن رستم سلطان لله افشار ارشلو دارد که در زمان شاه طهماسب اول، با حفر نهری، آب مباح را به مسجد آورده و آن را وقف بر این بنا کرده است. این پژوهش برای نخستین بار با هدف تحلیل کتیبه آب مباح و پاسخ به دلایل انتقال آب به مسجد جامع اصفهان و گمانه‌زنی مسیر آن، به تحریر درآمده است. روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی است که بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است. همچنین، داده‌های پژوهش بر پایه اطلاعات میدانی (خوانش کتیبه) و اطلاعات کتابخانه‌ای (اسناد تصویری، کتاب‌ها و مقاله‌ها) جمع‌آوری شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که شرایط سیاسی، اجتماعی دوره صفویه و گسترش وقف، سبب تشویق و ترغیب بسیاری از حاکمان و درباریان در جهت انجام عمل وقف شده و همچنین نقش و نفوذ علما در ساختار سیاسی و اجتماعی در دوره صفویه نیز نقش مهمی در این زمینه داشته است. کسب ثواب اخروی و برجا گذاشتن نام نیک از خود نیز یکی دیگر از انگیزه‌های واقفان برای وقف بوده است. همچنین در مورد گمانه‌زنی مسیر فوق به نظر می‌رسد این نهر، نهری مستقل صرفاً در جهت جاری ساختن آب در مسجد جامع اصفهان شکل گرفته و با پایتخت شدن شهر اصفهان و ساخت طرح جامع شهری، کتیبه مذکور به دلایل پنهان‌کاری و یا سهل‌انگاری در مسجد پنهان شده و همین امر سبب از بین رفتن نهر فوق شده و به همین دلیل است که در دوره‌های بعد هیچ‌گاه به عبور نهر آبی روان از درون مسجد جامع اصفهان اشاره نشده است.

کلیدواژه‌ها: کتیبه آب مباح، مسجد جامع اصفهان، وقف، مادی فدن، صفویه

* کارشناس ارشد مرمت، اصفهان. a.rezakargar@gmail.com
** کارشناس ارشد معماری، اصفهان (نویسنده مسئول). fatemehghanbari27@gmail.com

مقدمه

متن کتیبه‌ها، یکی از منابع مهم تاریخ معماری است. گزاف نیست اگر این متون را یکی از موثق‌ترین منابعی به‌شمار آوریم که می‌توان بر اساس آنها بخشی از تاریخ معماری را نوشت (صحراگرد، ۱۳۹۱: ۱). مسجد جامع اصفهان، یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین آثار معماری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود که دارای کتیبه‌های متعددی از دوره‌های مختلف تاریخی به‌ویژه سلجوقی، ایلخانی، مظفری، تیموری، صفوی، قاجاری و دوره معاصر است. کتیبه‌های فوق دربرگیرنده اطلاعاتی همچون؛ رَقم (تاریخ ساخت، وقف یا مرمت)، نام اشخاص (بانی خیّر، حکمران وقت)، استادکاران و هنرمندان (معمار، بنا، کاشی‌تراش، گچبر، حجار، نجار، نقاش و خطاط) هستند (قاسمی سیچانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۰). کتیبه آب مباح[1] با ۴۵۷ سال قدمت، یکی از کتیبه‌های ارزشمند مسجد جامع اصفهان است. طبق مضمون کتیبه، امیر اصلان بن رستم[2] سلطان للّه[3] افشار[4] ارشلو[5] در زمان شاه طهماسب اول، دومین پادشاه از سلسله صفویه، با حفر نهری، آب مباح را به مسجد آورده و آن را وقف بر مسجد جامع اصفهان کرده است. با توجه به اینکه کتیبه‌ها بخش مهمی از اسناد تاریخ معماری و همچنین نشان‌دهندهٔ وضعیت مذهبی، اجتماعی و سیاسی دوره‌های تاریخی خود هستند، لذا با بررسی و تحلیل آنها می‌توان به اطلاعات ارزشمندی در این زمینه‌ها دست یافت. اهمیت این پژوهش از آنجا آشکار می‌شود که مسجد جامع اصفهان، بنای ارزشمندی است که از قرن دوم هجری رشد و تغییرات متعدد آن همواره با شکل‌گیری هسته اولیه شهر اصفهان و در رابطه با تحولات تاریخی و اجتماعی آن بوده است. لذا به نظر می‌رسد تحلیل فوق بتواند روزنه‌ای جدید برای شناخت بخشی از تاریخ مسجد جامع اصفهان ارائه دهد. این پژوهش برای نخستین بار با هدف چرایی انتقال آب مباح و معرفی مسیر تقریبی آن از رودخانه زاینده‌رود به مسجد جامع اصفهان، به تحریر درآمده است تا در نهایت به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

۱. دلایل وقف آب مباح به مسجد جامع اصفهان چه هستند؟
۲. آب مباح چه مسیر تقریبی را از رودخانه زاینده‌رود طی کرده و در مسجد جامع اصفهان جاری شده است؟

پیشینه پژوهش

نظر به اینکه موضوع پژوهش فوق، واکاوی کتیبه آب مباح مسجد جامع اصفهان در دوره صفویه است، لذا برای دست‌یابی به اطلاعاتی که به تحلیل این کتیبه کمک می‌کنند، لازم بود منابع گوناگونی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم. دسته اول، آثاری هستند که به‌طور مستقیم به کتیبه فوق اشاره داشته‌اند؛ هنرفر (۱۳۵۰) برای اولین بار در کتاب "گنجینه آثار تاریخی اصفهان"، به خوانش این کتیبه پرداخته است. همچنین محمودیان (۱۳۹۶) نیز در کتاب "داستان مادی[6] فدن، معماری و زندگی و شهر در کنار جوی در اصفهان صفوی"، اشاره‌ای مختصر به کتیبه آب مباح مسجد جامع اصفهان کرده است. دسته دوم منابع، شامل آثاری است که به‌طور غیرمستقیم با موضوع این پژوهش در ارتباط بوده و به نظر می‌رسد با بررسی آنها می‌توان شناختی درست از تحلیل کتیبه مذکور داشت. منابع فوق با موضوعات مختلفی از جمله؛ تاریخ اجتماعی و فرهنگی، مسائل مذهبی دوره صفویه و همچنین اطلاعات معماری و جغرافیای شهر اصفهان هستند. پژوهش‌های ارزشمندی چون؛ کتاب "روضه‌الصفویه" (جنابادی، ۱۳۷۸) و کتاب "تاریخ عالم‌آرای عباسی" (ترکمان، ۱۳۸۲)، به شرح وقایع و رخدادهای دوران صفوی پرداخته‌اند. تحقیقات نجفی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶)، ثواقب و مروتی (۱۳۹۵) و پورامینی (۱۳۸۱)، باورهای مذهبی در دوره صفوی را بررسی کرده‌اند. همچنین پژوهش‌هایی در مورد روابط روحانیت و دولت صفوی مانند؛ زارعیان (۱۳۹۱)، رضوانی مفرد (۱۳۸۴)، حسین‌زاده (۱۳۸۰) و دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها همچون؛ رحیمی‌فر و عبدالقهار (۱۳۹۲) و احمدی (۱۳۹۰)، به بررسی جایگاه وقف در دولت صفوی پرداخته‌اند. بخشی دیگر از این منابع، شامل سفرنامه‌ها، توصیفات و تصاویر آنها از مسجد جامع اصفهان هستند؛ شاردن (۱۳۴۵) سیاح فرانسوی که در دوره صفویه، به توصیف حوض‌ها و حوضچه‌ها در مسجد جامع اصفهان پرداخته و همچنین پاسکال کوست (فلاندن، ۱۳۲۴) که در دوران قاجار، تصویری از حیاط مسجد جامع اصفهان ارائه کرده است. برای گمانه‌زنی مسیر تقریبی آب در مسجد جامع اصفهان، به بررسی پژوهش‌هایی که شبکه و سیستم‌های انتقال آب در شهر اصفهان (مادی‌ها) و همچنین حقابه آن را مطالعه نموده‌اند نیز پرداخته شد؛ کتاب "نصف جهان فی تعریف الاصفهان" (الاصفهانی، ۱۳۶۸) و کتاب "تاریخ اصفهان" (جابری انصاری، ۱۳۷۸) به بررسی مباحث ارزشمندی از جمله تاریخ، فرهنگ و جغرافیای شهر اصفهان می‌پردازند. حسینی ابری (۱۳۷۹) در کتاب "زاینده‌رود از سرچشمه تا مرداب"، مسیر زاینده‌رود از سرچشمه تا انتهای مرداب گاوخونی را بر مبنای تقسیم‌نامه‌ها، حقابه‌داران و ... بررسی کرده است. پژوهش‌های ارزشمند دیگری همچون؛ ابوئی (۱۳۷۷)، ماجدی و احمدی (۱۳۸۷) و نامداریان و همکاران (۱۳۹۵)، نقش مادی‌ها در شکل‌گیری ساختار فضایی شهر اصفهان را تحلیل کرده و همچنین محمودیان و قیومی

بیدهندی (۱۳۹۲) صرفاً به بررسی مادی فدن، معماری و زندگی در کنار این مادی در دوره صفویه پرداخته‌اند. با بررسی منابع فوق به نظر می‌رسد که تا کنون در برخی از منابع، فقط اشاره‌ای به کتیبه آب مباح مسجد جامع اصفهان شده؛ بر این اساس سعی شده است در این مقاله در راستای تکمیل پژوهش‌های ذکرشده، برای نخستین بار با تحلیل کتیبه فوق، به دلایل ایجاد نهر در مسجد جامع اصفهان و گمانه‌زنی مسیر تقریبی آن دست پیدا کرد.

روش پژوهش

روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی است که بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است. داده‌های پژوهش بر پایه اطلاعات میدانی (خوانش کتیبه) و اطلاعات کتابخانه‌ای (اسناد تصویری، کتاب‌ها و مقاله‌ها) جمع‌آوری شده‌اند. در ابتدا به خوانش و تحلیل کتیبه بر اساس اطلاعات موجود در آن که شامل نام افراد، مکان و تاریخ است پرداخته شد، سپس با توجه به تاریخ کتیبه (۹۸۴ ه.ق.) و با استفاده از منابع گوناگون در زمینه‌های مختلف از جمله؛ اسناد معماری، تاریخ اجتماعی و جغرافیا، به بررسی مسائل اجتماعی، سیاسی و مذهبی این دوره پرداخته و در نهایت با بررسی و تحلیل تمامی آنها، نتیجه‌گیری انجام شده است.

بازخوانی کتیبه آب مباح در مسجد جامع اصفهان

این کتیبه در طی اقداماتی که در بهار سال ۱۳۴۰ شمسی به منظور لایروبی از مجرای زیرزمینی مسجد جامع اصفهان انجام شد، در قسمت فوقانی مجرای آبی که در مقابل محراب گچبری (واقع در دالان جنوب شرقی، ورودی فعلی مسجد) قرار داشت، به‌دست آمد (هنرفر، ۱۳۵۰: ۱۶۵) (تصاویر ۱ و ۲). کتیبه فوق در حال حاضر در فضای گنبدخانه نظام‌الملک (ضلع جنوبی) مسجد جامع اصفهان قرار گرفته است که در ادامه، به بازخوانی متن کتیبه پرداخته می‌شود (تصویر ۳) (جدول ۱).

تصویر ۱. تصویر مسیر نهری که زمانی در مسجد جامع اصفهان جاری بوده است را نشان می‌دهد (آرشیو میراث فرهنگی اصفهان پایگاه جهانی مسجد جامع اصفهان ، ۱۳۹۸)

تصویر ۲. تصویر عملیات کاوش نهر مسجد جامع اصفهان (آرشیو میراث فرهنگی اصفهان پایگاه جهانی مسجد جامع اصفهان ، ۱۳۹۸)

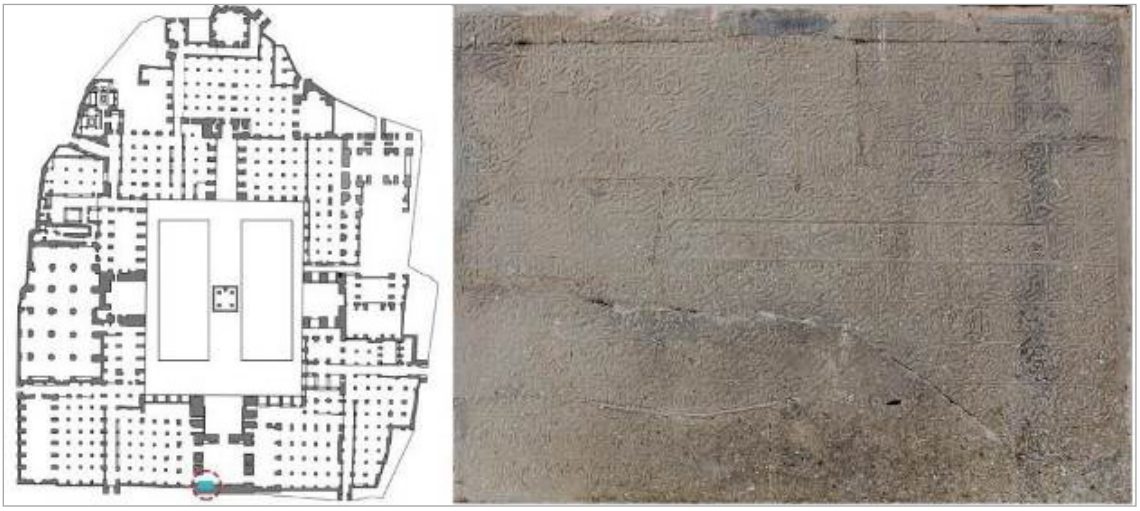

تصویر ۳. تصویر و محل قرارگیری کتیبه آب مباح در مسجد جامع اصفهان (نگارندگان، ۱۳۹۸)

تحلیل کتیبه آب مباح مسجد جامع اصفهان

در این پژوهش، کتیبه فوق از دو نظر تبیین می‌شود:

نظر اول: بررسی و تحلیل جایگاه سیاسی، اجتماعی افراد ذکرشده در کتیبه است؛ چرا که این بررسی می‌تواند در تحلیل بخشی از کتیبه (دلایل وقف آب به مسجد جامع اصفهان) مؤثر باشد.

نظر دوم: بررسی جغرافیا و ساختار کهن شهر اصفهان که با بهره گرفتن از آنها می‌توان مسیر تقریبی آب مباح به مسجد جامع اصفهان را گمانه‌زنی کرد. در جدول ۲، به تحلیل نام افراد ذکرشده در کتیبه و همچنین نکاتی که در مورد منبع و مسیر آب مطرح شده‌اند، پرداخته می‌شود. همچنین کتیبه تاریخی دیگری با موضوع وقف آب از امیر اصلان بن رستم سلطان لِله افشار ارشلو در ایوان شرقی مسجد علی اصفهان[۸] وجود دارد که در تحلیل بخش‌هایی از کتیبه، مورد بررسی قرار گرفته است.

نظر اول

دوره صفویه، یکی از دوره‌های مهم شکوفایی وقف است. در این دوره، شاهان صفوی اموال و املاک بسیاری را وقف کردند و به تبعیت از آنها بسیاری از حاکمان محلی، درباریان و افراد بانفوذ نیز وقفیات فراوانی را در سرتاسر مملکت انجام داده‌اند (رحیمی‌فر و عبدالقهار، ۱۳۹۲: ۴۱). یکی از شخصیت‌های نام‌برده‌شده در کتیبه فوق، شاه طهماسب اول صفوی است. دوران طولانی حکومت او، آکنده از اقدامات پردامنه و بی‌محابا در راه ترویج تشیع امامیه بوده است. شاه طهماسب اول علاوه بر رعایت احکام مذهبی این آیین، به‌شدت در پی ترویج این مذهب بود و در این راه، از تمام منابع انسانی و طبیعی که در اختیار داشت استفاده کرده است. به دلیل همین سیاست‌های مذهبی، حکومت شاه طهماسب در ایران به‌عنوان یکی از ادوار شاخص در زمینه گسترش دین و مذهب شناخته می‌شود. یکی از اقدامات شاه طهماسب اول در ترویج فرهنگ شیعی

جدول ۱. متن کامل کتیبه آب مباح مسجد جامع اصفهان

	متن کتیبه
سطر ۱	بیمن توفیق ربانی و تأیید سبحانی در زمان دولت خاقان الاعدل الاعظم مالک رقاب الامم مولی سلاطین العرب و العجم السلطان بن السلطان
سطر ۲	السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان خلدالله ملکه و سلطانه در ملازمت شاهزاده عالمیان نور حدیقه امن و امان ابوالنصر سلطان احمد میرزا بنده درگاه
سطر ۳	امیراصلان بن رستم سلطان‌لله افشار ارشلو از زنده‌رود اصفهان حفر نهری نموده آب مباح بمسجد جامع آورده وقف کرد قربه الی الله تعالی بر عموم ..... و کافه ناس و بر مسجد جامع
سطر ۴	مذکور مجری و ممرآب مزبور را که این بند تحت بند نهر ظَهر است آنرا بلافاصله مع التوابع واللواحق وقفاً مخلداً مؤبداً باین وجه که مسلمین و مسلمات از شرب و طهارت آن محظوظ باشند
سطر ۵	و چون از مسجد خارج شود بهر محل که جاری شود منافع آنرا بمصرفی که در وقفیه مسطوراست صرف نمایند و شرط نمود که باشراف و نظارت حضرت افادت و افاضت پناهی شیخ الاسلامی[۷]
سطر ۶	زیناً علیاً منشارا خود بنفس نفیس و بعد از آن حضرت ارشد اولاد ذکور صلبی آنحضرت نسلا بعد نسل و عقباً بعد عقب متولی وقف مزبور بوده و بنظارت تولیت چنانچه در وقفیه مسطور است قیام
سطر ۷	و اقدام نمایند و قبل از ورود آب بمسجد جامع مذکور احدی از بالا آب بباغات و مزروعات نبرد و بغیر از طهارت و شرب تصرفی در بالا ننمایند سوای حضرت شیخ الاسلامی که در بردن آب ....
در ذیل این لوح، اشعاری نیز به خط نستعلیق برجسته نوشته شده که قسمت‌هایی از آنها به مرور زمان محو شده‌اند و آنچه باقی مانده، به شرح زیر است:	
سطور ۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲	آفاق بفر شه دین دار جهان جو بر خاک درش سجده کنانند چو خورشید بردر گهش آن بنده که منظور نظر هست .....افشار از رود صفاهان بسوی مسجد جامع این کار نیامد زخدا بنده و غازان تاریخ .....گفت چون صورت مینا شده و روضه مینو رخ بنهد رو در حکم سکندر شد و ..... آنکس للگی داد شهنشاه هنرجو .....روان کرد یکی جو وین آب نیاورد ..... آب ملک اصلان بیک سلطان ارشلو

(نگارندگان)

در جامعه، حضور عالمان شیعی با نفوذ عمیق اجتماعی است (نجفی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۳-۱۲۷). روحانیان، یکی از نیروهای مهم اجتماعی در صحنه سیاسی ایران و برخوردار از شأن، حقوق و مصونیت بوده‌اند. در ایران عصر صفوی نیز شاهان صفوی که تشیع را مذهب رسمی کشور اعلام کردند، از عالمان فقهیان شیعه سرزمین‌های مختلف برای تبیین و تعلیم تشیع در ایران دعوت به عمل آورده[۱۰] و در دوره‌های مختلف بر جایگاه برجسته آنان در اداره امور تأکید کردند (زارعیان، ۱۳۹۱: ۹۸). وقف نیز یکی دیگر از نهادهایی است که در دوره حاکمیت طهماسب، رشد و فزونی یافت. بیشترین موقوفات این دوره در جهت تبلیغات مذهبی بوده و این وقف‌ها، تأثیر ویژه‌ای در ساخت و گسترش بناهای مذهبی داشتند (ثواقب و مروتی، ۱۳۹۵: ۴۱). شاه، منسوبان و صاحب‌منصبان صفوی، به واگذاری اموال و منافع به اماکن مقدسه، مدارس و مساجد گرایش یافتند (پورامینی، ۱۳۸۱: ۱۰۹). مروج اصلی وقف در کشور، شخص شاه طهماسب بود که با وقف اموال و مستغلات فراوان، موجب ترغیب بزرگان مملکت و همچنین مردم عادی برای این کار می‌شده است (نجفی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۹). با توجه به موقعیت اجتماعی واقفان، انگیزه‌های متفاوتی برای انجام وقف وجود داشته‌اند از جمله؛ کسب ثواب اخروی، مقبولیت نزد عامه و یافتن اعتبار دنیوی، مصون نگهداشتن اموال خود و اقوام نزدیک خود از مصادره و ... (رحیمی‌فر و عبدالقهار، ۱۳۹۲: ۷۰). به نظر می‌رسد امیر اصلان بن رستم سلطان لَلَه افشار ارشلو که یکی از حاکمان مقتدر خاندان افشار بود (ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۳۰-۱۲۵) نیز برای دست یافتن به اهدافی، دستور حفر نهر آب را برای مسجد جامع اصفهان داده و نظارت آن را بر عهده شیخ علی منشار[۱۱] که در آن زمان منصب شیخ‌الاسلامی اصفهان را بر عهده داشته، قرار داده است.

نظر دوم

در قسمت دوم تحلیل کتیبه که بررسی منبع و گمانه‌زنی مسیر آب مباح در مسجد جامع اصفهان است، با استناد به متن کتیبه صراحتاً عنوان شده که منبع آب نهر فوق از رودخانه

جدول ۲. تحلیل متن کتیبه آب مباح مسجد جامع اصفهان

	تحلیل کتیبه
مشخصات کتیبه	**موضوع:** وقف آب مباح **محل نصب:** نصب بر دیوار ضلع جنوبی گنبدخانه نظام‌الملک **نوع خط:** ثلث و نستعلیق **تاریخ:** ۹۸۴ (هق.) **جنس:** سنگ **ابعاد:** ۸۳*۱/۲۱
نام‌های افراد، به ترتیب ذکرشده در کتیبه	شاه طهماسب اول: دومین پادشاه دوران صفوی (سطر دوم کتیبه)
	ابو النصرسلطان احمد میرزا: پسر هشتم شاه طهماسب بود که با به سلطنت رسیدن برادر خود شاه اسماعیل دوم، به قتل رسید (سطر دوم کتیبه).
	امیر اصلان بن رستم سلطان لَلَه افشار ارشلو: یکی از امرای بزرگ ایل افشار، صاحب لشگر و لَلَه سلطان احمد میرزا بود (سطر سوم کتیبه).
	شیخ الاسلامی زیناً علیاً منشارا[۹]: یکی از علمای عرب که در سال ۹۸۴ منصب شیخ‌الاسلامی اصفهان را داشته است (سطر ششم کتیبه).
اشاره به منبع، مسیر آب مباح	منبع آب مباح:" ... از زنده‌رود اصفهان حفر نهری نموده..." (سطر سوم کتیبه)
	مسیر آب مباح "... مجری و ممر آب مزبور را که این بند تحت بند نهر ظهر است..." (سطر چهارم کتیبه)
نحوه استفاده از آب مباح وقف‌شده (شرایط وقف)	نحوه استفاده از آب: "... مسلمین و مسلمات از شرب و طهارت آن محظوظ باشند..." (سطر چهارم کتیبه) "... و چون از مسجد خارج شود بهر محل که جاری شود منافع آنرا بمصرفی که در وقفیه مسطوراست..." (سطر پنجم کتیبه) "... و قبل از ورود آب بمسجد جامع مذکور احدی از بالا آب بباغات و مزروعات نبرد و بغیر از طهارت و شرب تصرفی در بالا ننمایند..." (سطر هفتم کتیبه)

(نگارندگان، ۱۳۹۸)

زاینده‌رود است: "... از زنده‌رود اصفهان حفر نهری نموده..." (سطر سوم کتیبه) (جدول ۱)، اما مسیر نهر را به‌طور واضح مشخص نکرده و فقط بیان کرده است "... مجری و ممر آب مزبور را که این بند تحت بند نهر ظهر است..." (سطر چهارم کتیبه) (جدول ۱). لذا در این قسمت با محرز بودن منبع آب نهر مورد نظر، به گمانه‌زنی برای یافتن مسیر تقریبی آن به مسجد جامع اصفهان پرداخته می‌شود. با بررسی متون مختلف و شبهات پیش‌آمده در مورد گمانه‌زنی مسیر و حتی منبع نهر فوق، نگارندگان ناگزیر به بررسی ساختار کهن‌شهر اصفهان و رودخانه زاینده‌رود در محدوده تاریخی ذکرشده در کتیبه پرداختند. محدوده تاریخی مورد نظر در این پژوهش، ساختار شهر اصفهان دوره صفویه تا قبل از سال ۱۰۰۶ (زمان پایتختی شهر اصفهان توسط صفویان) است. با توجه به کمبود منابع از محدوده زمانی فوق، مسیری فرضی برای نهر آب در نظر گرفته و تلاش خواهیم کرد با مستنداتی که از مطالعات کتابخانه‌ای، تحلیل نقشه‌ها و وقف‌نامه‌ها و سفرنامه‌ها و ... به‌دست آورده، احتمال وجود نهر (آب مباح) در این مسیر را به یقین نزدیک کنیم و همچنین تداوم و حیات نهر را در دوره‌های بعد بررسی کنیم.

گمانه‌زنی مسیر آب مباح مسجد جامع اصفهان از منظر اسناد موجود

اولین سند مکتوبی که به کتیبه آب مباح در مسجد جامع اصفهان اشاره دارد، "گنجینه آثار تاریخی اصفهان" تألیف لطف‌الله هنرفر است. در این کتاب عنوان شده: «ضمن اقداماتی که در بهار سال ۱۳۴۰ شمسی به منظور لایروبی از مجرای زیرزمینی مسجد جامع اصفهان انجام شد، در مقابل محراب گچبری (واقع در دالان جنوب شرقی، ورودی فعلی مسجد)، لوحی از سنگ سفید که در قسمت فوقانی مجرای آب قرار داشت به‌دست آمد» (هنرفر، ۱۳۵۰: ۱۶۵). در ادامه به خوانش کتیبه پرداخته است و سپس عنوان می‌کند «مجرای آبی که موضوع کتیبه فوق‌الذکر است فعلاً محله (خاوجان) را که در مجاورت مسجد جمعه است مشروب می‌نماید ولی سابقاً اختصاص به مسجد داشته است» (همان). دومین اثری که به کتیبه آب مباح و مسیر آن اشاره کرده، کتاب "داستان مادی فَدَن، معماری و زندگی و شهر در کنار جوی در اصفهان صفوی" تألیف صفا محمودیان است. در این کتاب، محمودیان به بررسی مادی فَدَن و شاخه‌های مختلف آن در شهر اصفهان پرداخته است. وی با استنباط به کتیبه فوق بیان می‌کند: «در دوره شاه طهماسب صفوی، نهری برای آب‌رسانی به این مسجد ایجاد شد. این نهر از درون محوطه مسجد می‌گذشت. با توجه به مسیر حرکت مادی‌ها درون شهر اصفهان، در صورت عبور چنین شاخه‌هایی از مادی از زیر مسجد جامع، به احتمال زیاد این شاخه‌ها از مادی فدن منشعب بوده است» (محمودیان، ۱۳۹۶: ۹۹-۹۷). با بررسی متون فوق به نظر می‌رسد که هنرفر و محمودیان هر دو وجود آب مباح ذکرشده در کتیبه را شاخه‌ای از مادی فدن می‌دانند. آنها یکی از نهرهای فرعی، شاخه شمالی مادی فدن که از محلات درب‌کوشک، علی‌قلی‌آقا و آب بخشان عبور می‌کرده است را منبع نهر فوق می‌دانند. همان‌طور که در تصویر ۴ قابل مشاهده است، مادی فَدَن در حوالی آب بخشان از شهر خارج

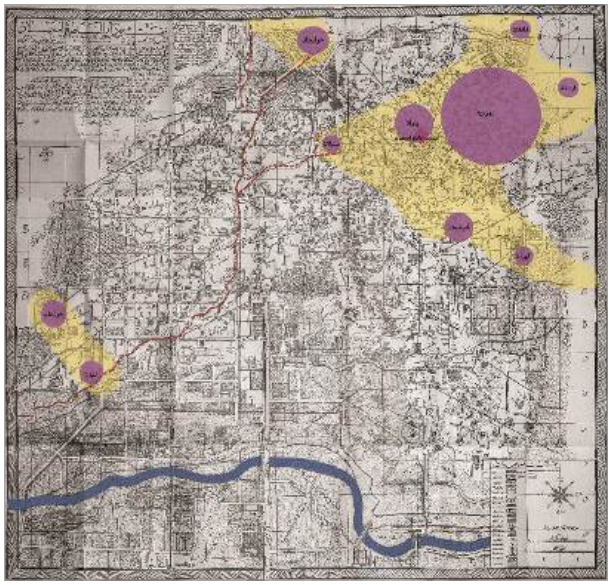

تصویر ۴. مسیر شاخه شمالی مادی فدن و عبور از محلات درب‌کوشک، علی‌قلی‌آقا و آب بخشان (نگارندگان، ۱۳۹۸)

می‌شده، شاخه‌ای از آن به سمت شمال (محله خاوجان) و شاخه دیگر از آن به سمت شمال شرق حرکت می‌کرده است.

گمانه‌زنی مسیر آب مباح مسجد جامع اصفهان بر اساس ساختار کهن‌شهر اصفهان در دوره صفویه (پیش از پایتختی شهر اصفهان)

نگارندگان در این قسمت با توجه به متن کتیبه، "... از زنده‌رود اصفهان حفر نهری نموده..." (سطر سوم کتیبه)، معتقد هستند که این نهر یک نهر مستقل از دیگر نهرهای موجود در شهر اصفهان بوده و صرفاً جهت آب‌رسانی به مسجد جامع اصفهان حفر شده؛ چرا که وقف، ارکان و شرایط خاص خود را دارا است و هر گونه تغییر و تحول در املاک وقفی، نیازمند قوانین و مقررات خاص شرعی و مدنی است (کلانتری خلیل‌آباد و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۲). همچنین با توجه به متن کتیبه نحوه استفاده از آب: "... مسلمین و مسلمات از شرب و طهارت آن محظوظ باشند..." (سطر چهارم کتیبه)، "... و چون از مسجد خارج شود بهر محل که جاری شود منافع آنرا بمصرفی که در وقفیه مسطور است..." (سطر پنجم کتیبه)، "... و قبل از ورود آب بمسجد جامع مذکور احدی از بالا آب بباغات و مزروعات نبرد و بغیر از طهارت و شرب تصرفی در بالا ننمایند..." (سطر هفتم کتیبه)، به نظر می‌رسد که نهر فوق، شاخه‌ای از مادی فدن نیست؛ چرا که مادی فدن، کهن‌ترین و گسترده‌ترین مادی شهر اصفهان بوده و فعالیت‌های گوناگون شهری در آن شکل گرفته و آب بخش بزرگی از شهر اصفهان را تأمین می‌کرده است (محمودیان، ۱۳۹۶: ۱۷۱). با توجه به اینکه مادی فدن در تمام مسیر خود برای استفاده عموم مردم بوده است، واقف نمی‌توانسته از شاخه‌های آن برای وقف خود استفاده کند. حال با ذکر این نکته که نهر آب مباح مسجد جامع اصفهان یک نهر مستقل بوده، به بررسی ساختار شهر اصفهان و گمانه‌زنی مسیر آب مباح در مسجد جامع اصفهان پرداخته می‌شود. در عموم اسناد تاریخی، ساختار شهر اصفهان را متشکل از سه هسته اصلی جی، شهرستان و یهودیه در کنار زاینده‌رود می‌دانند. از سه هسته اولیه شهر اصفهان، جی به‌عنوان مرکز حکومتی در جوار زاینده‌رود بر پا شد، اما دیگر هسته‌های شهر اصفهان که در اطراف یهودیه مستقر شده بودند، با فاصله از زاینده‌رود شکل گرفتند (نامداریان و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۱۲). ساکنان شهر اصفهان که معیشت اصلی آنها مبتنی بر کشاورزی و باغداری بوده، آب مورد نیاز خود را که مقدار اندکی بوده، از طریق چاه تأمین کرده‌اند (ناصر خسرو قبادیانی مروزی، ۱۳۸۲؛ شفقی، ۱۳۸۱: ۱۸۰) و آب زاینده‌رود را که دارای دبی مناسبی بوده است، برای باغات و کشاورزی استفاده می‌کردند (جناب و شاردن، ۱۳۷۶: ۱۴۴ و ۱۴۵). با بررسی پژوهش‌های مختلف در زمینه الگوی ساختار شهر اصفهان در دوره صفویه (پیش از پایتختی شهر اصفهان) مشخص شد که اکثر این پژوهشگران معتقد هستند که ساختار شهر اصفهان از اوایل دوران عباسی (قرون اولیه اسلامی) تا شروع دوره صفویه، به‌جز منطقه شهرستان، شهری در هم فشرده و محصور و با فاصله‌ای قابل‌توجه از رودخانه زاینده‌رود بوده و این فاصله بین شهر و زاینده‌رود نیز در پوششی از باغ‌ها و بیشه‌زارها بوده است (غلوم بیک، ۱۳۷۷؛ شفقی، ۱۳۸۱؛ عمرانی‌پور و محمد مرادی، ۱۳۹۰؛ رضاییان، ۱۳۹۰؛ نامداریان و همکاران، ۱۳۹۵) (تصویر ۵). به نظر می‌رسد همه شواهد فوق دال بر این واقعیت هستند که نهر آب مباح مسجد جامع اصفهان، نهری مستقل بوده که صرفاً برای تأمین آب در مسجد جامع اصفهان حفر شده؛ نهری که با توجه به شیب شهر و ساختار شهر اصفهان، مسیری از سمت غرب به شمال شرق شهر داشته است.

همان‌طور که در تصویر ۶ مشخص شده، گمانه‌زنی از مسیر فرضی نهر آب مباح مسجد جامع اصفهان ارائه شده است. این مسیر فرضی تقریباً بر اساس مسیر مادی فدن و با توجه به توپرگرافی شهر و جهت شیب مادی‌ها که به سمت زمین‌های پست‌تر است گمانه‌زنی شده است.

بررسی تداوم حیات نهر آب مباح در دوره صفویه (پایتختی شهر اصفهان) و دوره‌های پس از آن

برای مشخص کردن تداوم حیات نهر آب مباح در دوره صفویه و دوره‌های پس از آن در مسجد جامع اصفهان، به بررسی منابع مختلف تاریخی از جمله ساختار شهر در دوره صفویه و سفرنامه‌ها پرداخته شد تا بتوان ردی از نهر فوق در دوره‌های دیگر پیدا کرد. بررسی تعاملات شهر و زاینده‌رود پیش از پایتختی آن نشان می‌دهد که شهر و بخش‌های اصلی آن در فاصله قابل‌توجهی با رودخانه قرار دارند و این فاصله را باغ‌ها و بیشه‌زارها تشکیل می‌داده‌اند. اصفهان در قرون یازدهم و دوازدهم هجری، به پایتخت بزرگ‌ترین حکومت شیعی تبدیل می‌شود. به همین سبب است که شهر تاریخی پذیرای طرحی توسعه‌ای می‌شود که نقطه عطفی در تحولات تاریخی این شهر به‌حساب می‌آید. با این تصمیم، ظرفیت پذیرش جمعیت، روابط سیاسی، اقتصادی، مذهبی و اجتماعی شهر افزون می‌شود و به این منظور، با احترام به ساختار قدیم، ساختار جدید شهر «به سمت جنوب و زاینده‌رود گسترش و توسعه می‌یابد» (عمرانی‌پور و محمد مرادی، ۱۳۹۰: ۱۸۲-۱۷۱). سیاحت‌نامه شاردن، یکی از منابعی است که در آن

تصویر ۵. بازنمایی گرافیکی شهر اصفهان سلجوقی قرن پنجم (رضاییان، ۱۳۹۰: ۴۳)

تصویر ۶. گمانه‌زنی مسیر فرضی نهر آب مباح مسجد جامع اصفهان (نگارندگان، ۱۳۹۸)

به آب و وجود حوض در مسجد جامع اصفهان اشاره شده است. شاردن، به وجود یک حوض آب در میانه حیاط و حوض دیگری که در نزدیکی ایوان شمالی است اشاره می‌کند. همچنین، اشاره‌ای به وجود قنات‌های زیرزمینی در مسجد جامع اصفهان دارد «سابقاً تعداد بیشتری حوض در مسجد جامع عتیق بوده است؛ که از بیم تخریب بنای عمارت به علت قنات‌های زیرزمینی، آنها را پر کرده‌اند، و قنوات را نیز مسدود ساخته‌اند» (شاردن، ۱۳۴۵: ۲۷۲). منبع دیگری که در آن از حوض‌ها در مسجد جامع اصفهان سخن به میان آمده، سفرنامه اوژن فلاندن است که در دوره قاجار به ایران سفر کرده، وی تصویری از حوض‌های آب در مسجد جامع اصفهان ارائه می‌دهد. در تصویر پاسکال کوست از مسجد جامع اصفهان، علی‌رغم آنکه حوض‌ها و سنگاب موجود در حیاط را مشخص کرده است، اثری از نهری جاری درون حیاط دیده نمی‌شود (فلاندن، ۱۳۲۴: ۱۷۴) (تصویر ۷).

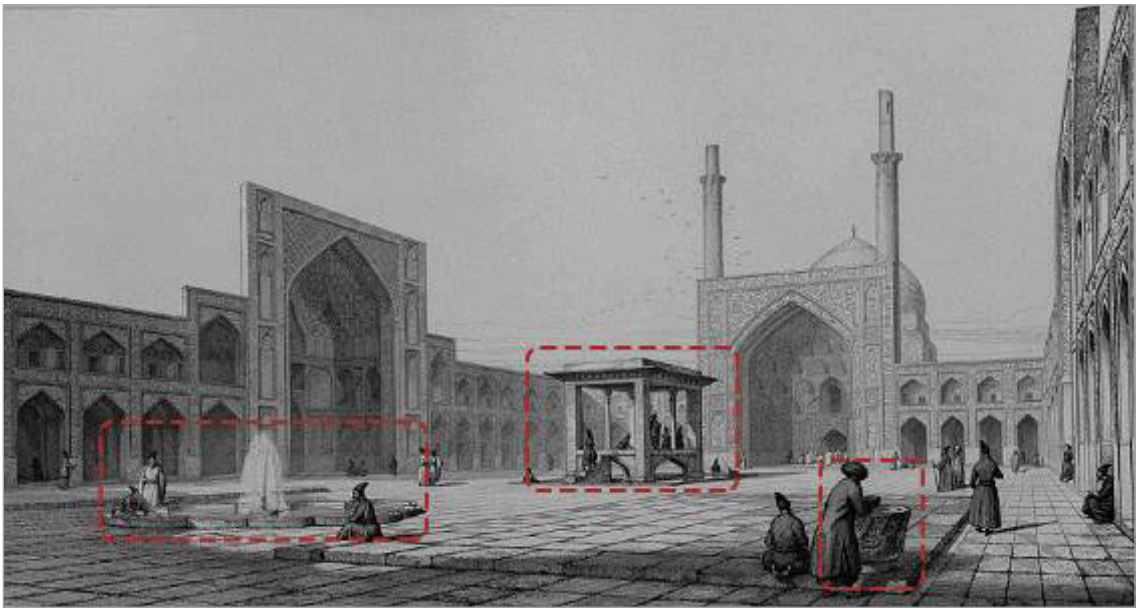

تصویر ۷. تصویر پاسکال کوست از حوض‌ها و سنگاب در حیاط مسجد جامع اصفهان (فلاندن، ۱۳۲۴: ۱۷۴)

نتیجه‌گیری

بیش از ۴۵۷ سال از تاریخ کتیبه آب مباح مسجد جامع اصفهان می‌گذرد؛ کتیبه‌ای که مضمون آن، اشاره به شخصی به نام امیر اصلان بن رستم سلطان لله افشار ارشلو دارد که در زمان شاه طهماسب اول، با حفر نهری، آب مباح را به مسجد آورده و آن را وقف بر این بنا کرده است. دلایل ایجاد این وقف و ردیابی و پیاده‌سازی مسیر آن، نیاز به شهود و نشانه‌های فراوانی دارد. در حال حاضر جز متن کتیبه آب مباح، اطلاعات دیگری که صراحتاً در مورد دلایل ایجاد وقف و مسیر نهر فوق باشد در دسترس نیست که بتوان با اتکا با آنها به تحلیل پرداخت. لذا این پژوهش از طریق مطالعه مستندات، وقف‌نامه‌ها و کتب تاریخی، ابتدا جایگاه سیاسی، اجتماعی افراد ذکرشده در کتیبه را بررسی و سپس با اطلاعات میدانی (خوانش کتیبه) و اطلاعات کتابخانه‌ای، مسیری تقریبی را برای نهر فوق گمانه‌زنی کرد. در برخی موارد، داده‌های جمع‌آوری‌شده در تعارض با یکدیگر بودند؛ لذا برای بررسی تمامی شبهات و پاسخ دادن به پرسش‌ها، پژوهش از دو نظر تبیین شده تا بتوان به این پرسش‌ها پاسخ داد:

نظر اول: دلایل وقف آب مباح به مسجد جامع اصفهان

با بررسی شرایط سیاسی، اجتماعی دوره صفویه مشخص شد که تثبیت حکومت مرکزی، رسمیت یافتن مذهب تشیع و امنیت اجتماعی، اقتصادی، از عوامل مؤثر در ایجاد بستری مناسب برای گسترش وقف بوده است. شاهان

صفوی به‌ویژه شاه طهماسب، از پیشگامان وقف‌های بزرگ در تاریخ است که سبب تشویق و ترغیب بسیاری از حاکمان و درباریان در جهت وقف در سراسر کشور شد. در برخی موارد، انجام وقف، اقدامی سیاسی در جهت نزدیکی به شاه و دربار و یا به‌نوعی مصون ماندن اموال از مصادره درباریان بوده است. همچنین وقف کردن اموال، سبب شهرت سیاسی و اجتماعی درباریان نیز می‌شده است. به نظر می‌رسد نقش و نفوذ علما در ساختار سیاسی و اجتماعی در دوره صفویه سبب شده در این دوره، شاهد موقوفات فراوانی باشیم (اشاره به نقش شیخ علی منشار به‌عنوان شیخ‌الاسلام وقت در شهر اصفهان). کسب ثواب اخروی و برجا گذاشتن نام نیک از خود نیز یکی دیگر از انگیزه‌های واقفان برای وقف بوده است.

نظر دوم: منبع و گمانه‌زنی مسیر نهر آب مباح از رودخانه زاینده‌رود تا جاری شدن آب در مسجد جامع اصفهان

در این قسمت با استناد به متن کتیبه منبع نهر، رودخانه زاینده‌رود در نظر گرفته شده است و در ادامه با بررسی منابع، مستندات و بررسی شبهات، به گمانه‌زنی مسیر نهر فوق پرداخته شد. هنرفر و محمودیان تنها کسانی بودند که در آثار خود به آب مباح مسجد اشاره کرده‌اند. به نظر می‌رسد این دو یکی از نهرهای فرعی، شاخه شمالی مادی فدن که از محلات درب‌کوشک، علی‌قلی‌آقا و آب بخشان عبور می‌کرده است را منبع نهر فوق می‌دانند. اما با بررسی متن کتیبه (سطر چهارم‌کتیبه)، (سطر پنجم‌کتیبه)، (سطر هفتم‌کتیبه)، شیب شهر و ساختار شهر اصفهان (فاصله قابل‌توجه از رودخانه زاینده‌رود و پوشش باغ‌ها و بیشه‌زارها در این فاصله) به نظر می‌آید که این نهر، نهری مستقل بوده که صرفاً برای تأمین آب در مسجد جامع اصفهان حفر شده و ساختار شهر در آن زمان با وجود باغ‌ها و بیشه‌زارها این امکان را به‌خوبی فراهم می‌کرده است. همچنین به نظر می‌رسد با پایتخت شدن شهر اصفهان هم‌زمان با ساخت طرح جامع شهری در دوره صفویه، مسجد جامع اصفهان رو به تخریب و انهدام نهاد و کتیبه فوق به دلایل پنهان‌کاری (ادامه ندادن وقف) و یا سهل‌انگاری در مجرای آب مسجد پنهان شده و همین امر سبب از بین رفتن نهر فوق شده و به همین دلیل است که در میان تمام توصیفات مفصل سیاحان از مسجد جامع اصفهان، هیچ‌گاه به عبور نهر آبی روان از درون مسجد اشاره نشده است.

پی‌نوشت

۱. آب مباح (الماء المباح) به آبی گفته می‌شود که: ۱- مالکی نداشته باشد: مانند آب باران که چاله‌ای در دشت گرد آمده باشد، ۲- آبی که ملک داشته باشد و مالک، اذن تصرف داده باشد به فردی خاص یا به عموم؛ در برابر آب غصبی. مأخذ: (عاملی، ۱۴۲۰۰).

۲. یکی از امرای بزرگ ایل افشار است (ترکمان، ۱۳۸۲).

۳. لَله یا للگان به‌عنوان معلمان تجربه‌گرا و ذی‌نفوذی مطرح بودند که رسالت آداب‌آموزی شاهزادگان را بر عهده داشته و آنان را برای مسئولیت‌پذیری در ساختار قدرت آماده می‌ساختند. این موقعیت خاص، فرصت‌های مهمی را برای آنان فراهم می‌ساخت تا در حوادث سیاسی، اداره ولایات و ... نقش‌آفرینی کنند (بهرام‌نژاد و داراب‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۳).

۴. افشار: ایل افشار، یکی از ایلات تشکیل‌دهنده سپاهیانی است که اقتدار شاه اسماعیل اول صفوی را در ایران استوار کردند (افوشته نطنزی، ۱۳۷۳).

۵. ارشلو، یکی از تیره‌های ایل افشار که در لنجان اصفهان اقامت داشتند (همان).

۶. "مادی" واژهٔ محلی اصفهانی به معنای نهر است (هنرفر، ۱۳۵۰: ۲۳۴).

۷. شیخ‌الاسلام: در دوران شاهان صفوی برخی روحانیون به‌طور مستقیم مناصب دیوانی داشتند. آنها اغلب مناصبی مانند شیخ‌الاسلامی، ملاباشی و ... داشتند (ورهرام، ۱۳۸۵: ۱۳۲). وظایف و اختیارات مقام شیخ‌الاسلامی، قضاوت و نظارت در امور روحانیت بوده است (زارعیان، ۱۳۹۱).

۸. جدول ۳. تحلیل متن کتیبه آب مسجد علی اصفهان (نگارندگان، ۱۳۹۸)

تحلیل کتیبه مسجد علی اصفهان	
مشخصات کتیبه	موضوع: وقف آب مباح محل نصب: نصب بر در ایوان شرقی مسجد علی نوع خط: ثلث برجسته تاریخ: ۹۷۷ (هق.) جنس: سنگ ابعاد: ۵۸*۸۵
نام‌های افراد به ترتیب ذکرشده در کتیبه	امیر اصلان بن رستم سلطان للّهِ افشار ارشلو
	شیخ‌الاسلامی زیناً علیاً منشارا
اشاره به منبع آب مباح	منبع آب مباح: "... از نهر جرکان جی وقف نمود..."
نحوه استفاده از آب مباح وقف‌شده (شرایط وقف)	قطر لوله آب: "...یک لوله که قطر آن نیم چارک باشد..." "... از بالا هیچ آفریده الا از ضروری طهاره و شرب تصرف ننماید و بعد از آنکه مسجد خارج شود بهر محل که جاری شود منافع آنرا بمصرفی که در او مسطور است صرف نماید ..."

۹. الف تفخیم: در دوره صفویه در هنگام آوردن نام افراد در آخر اسم آنها از الف تفخیم استفاده می‌شده است. این به معنای بزرگ داشتن و احترام با آن نام بوده است؛ مانند: شیخ‌الاسلامی زیناً علیاً منشارا.

۱۰. تشدید سختگیری‌های حکومت سنی مذهب عثمانی به روحانیون از سویی و نیاز روزافزون حاکمیت شیعه صفوی از سوی دیگر احتمالاً دو عامل اصلی مهاجرت علمای عرب به ایران بوده است (همان).

۱۱. شیخ علی منشار کرکی، از جمله نخستین روحانیون مهاجر به ایران بود. وی منصب شیخ‌الاسلامی شهر اصفهان را داشت. همچنین، از جمله شاگردان برجسته کرکی بود و احتمالاً به اشاره او به‌عنوان شیخ‌الاسلامی شهر اصفهان برگزیده شده بود. وی حدود بیست و پنج سال در این مقام بود (ترکمان، ۱۳۸۲؛ رضوانی مفرد، ۱۳۸۴: ۱۰۸).

منابع و مآخذ

- آرشیو میراث فرهنگی اصفهان پایگاه جهانی مسجد جامع اصفهان (۱۳۹۸)
- ابوئی، رضا (۱۳۷۷). *"امکان‌سنجی احیای میدان نقش جهان (با توجه به وضع موجود و گذشته تاریخی) طراحی فضای باز میدان"*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی. دانشگاه هنر (دانشکده پردیس اصفهان).
- احمدی، نزهت (۱۳۹۰). **در باب اوقاف صفوی (مجموعه مقالات)**. چاپ اول، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- افوشته نطنزی، محمود بن هدایت‌الله (۱۳۷۳). **نقاوه الآثار فی ذکر الاخبار فی تاریخ الصفویه**. چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- الاصفهانی، محمد مهدی بن محمدرضا (۱۳۶۸). **نصف جهان فی تعریف الاصفهان**. تصحیح منوچهر ستوده، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- بهرام‌نژاد، محسن و داراب‌زاده، سارا (۱۳۹۳). بررسی جایگاه اجتماعی تربیتی للّهِ در دوران صفوی: امیران قزلباش و غلامان حرمسرا. *مطالعات تاریخی فرهنگی*، سال پنجم (۱۹)، ۴۵-۲۳.
- پورامینی، محمد باقر (۱۳۸۱). **صفویان نماد اقتدار ایران**. چاپ اول، جلد اول، قم: نورالسجاد.
- ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۲). **تاریخ عالم‌آرای عباسی**. تنظیم ایرج افشار، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- ثواقب، جهانبخش و مروتی، فریده (۱۳۹۵). اقدامات فرهنگی شاه طهماسب اول در نهادینه‌سازی تشیع در جامعه. *شیعه‌شناسی*، سال چهاردهم (۵۴)، ۶۲-۳۱.
- جابری انصاری، محمد حسن (۱۳۷۸). **تاریخ اصفهان**. تصحیح جمشید مظاهری، چاپ اول، اصفهان: مشعل.
- جناب، میر سید علی و شاردن، ژان (۱۳۷۶). **الاصفهان**. به کوشش محمدرضا ریاضی، چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

- جنابادی، میرزا بیگ (۱۳۷۸). **روضه‌الصفویه**. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، چاپ اول، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- حسین‌زاده، محمد علی (۱۳۸۰). **اندیشه‌های محقق کرکی**. چاپ اول، قم: کتاب قم.
- حسینی ابری، سید حسن (۱۳۷۹). **زاینده‌رود از سرچشمه تا مرداب**. چاپ اول، اصفهان: گل‌ها.
- رحیمی‌فر، مهناز و عبدالقهار، سعید اف (۱۳۹۲). موقعیت اجتماعی واقفان در عصر صفویه به استناد وقف‌نامه‌ها. *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال چهارم (۱۲)، ۷۰-۴۱.
- رضاییان، فرزین (۱۳۹۰). **شکوه سپاهان**. چاپ اول، تهران: شرکت طلوع ابتکارات تصویر.
- رضوانی مفرد، احمد (۱۳۸۴). نقش علمای جبل عامل در تثبیت حکومت صفویه و گسترش مذهب تشیع در ایران. *پژوهش علوم انسانی*، سال شانزدهم (۳۷)، ۱۲۳-۱۰۷.
- زارعیان، مریم (۱۳۹۱). مناسبات روحانیان با دولت در عصر صفوی. *جامعه‌شناسی تاریخی*، ۴ (۲)، ۱۱۶-۸۹.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵). **سیاحت‌نامه شاردن**. ترجمه محمد عباسی، چاپ اول، جلد دهم، تهران: امیرکبیر.
- شفقی، سیروس (۱۳۸۱). **جغرافیای اصفهان**. چاپ اول، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- صحراگرد، مهدی (۱۳۹۱). **شاهکار هنری در آستان قدس رضوی: کتیبه‌های مسجد گوهرشاد**. چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
- عاملی، زین‌الدین بن علی (۰۲۴۱). **المقاصد العلیه بی شرح الرساله الألفیه**. چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- عمرانی‌پور، علی و محمد مرادی، اصغر (۰۹۳۱). سیر تحول محیط زاینده‌رود و تعامل آن با شهر تاریخی اصفهان (تا پایان عصر صفوی). صفه، ۱۲ (۵۵)، ۴۸۱-۲۷۱.
- فلاندن، اوژن (۱۳۲۴). **سفرنامه اوژن فلاندن به ایران**. ترجمه حسین نور صادقی، چاپ دوم، اصفهان: چاپخانه روزنامه نقش جهان.
- قاسمی سیچانی، مریم؛ قنبری شیخ شبانی، فاطمه و قنبری شیخ شبانی، محبوبه (۱۳۹۶). تحلیل مضمون کتیبه‌های قرآنیِ ورودی‌ها و محراب‌های مسجد جامع اصفهان. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، سال پنجم (۱۶)، ۶۷-۴۹.
- کلانتری خلیل‌آباد، حسین؛ صالحی، سید احمد و رستمی، قهرمان (۱۳۸۹). نقش تاریخی وقف در شکل‌گیری شهر اسلامی (مطالعه موردی شهر اصفهان). *شهر ایرانی اسلامی*، ۱ (۱)، ۴۳-۳۳.
- گلمبک، لیزا (۱۳۷۷). الگوهای شهر اصفهان پیش از صفویه. *معماری و شهرسازی*، ۵ (۴۳-۴۲)، ۱۸-۸.
- ماجدی، حمید و احمدی، فرشته (۱۳۸۷). نقش مادی‌ها در شکل‌گیری ساختار فضایی شهر اصفهان. *هویت شهر*، سال دوم (۳)، ۵۰-۳۹.
- محمودیان، صفا (۱۳۹۶). **داستان مادی فَدَن، معماری و زندگی و شهر در کنار جوی در اصفهان صفوی**. چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- محمودیان، صفا و قیومی بیدهندی، مهرداد (۱۳۹۲). هنجار مادی، نظام مدیریت آب در اصفهان صفوی. *نامه معماری و شهرسازی*، ۵ (۱۰)، ۱۵۳-۱۴۱.
- ناصر خسرو قبادیانی مروزی، ابومعین (۱۳۸۲). **سفرنامه**. تصحیح محمد دبیر سیاقی، چاپ اول، تهران: ققنوس.
- نامداریان، احمد علی؛ بهزادفر، مصطفی و خانی، سمیه (۱۳۹۵). نقش شبکه مادی‌ها در تحولات سازمان فضایی اصفهان، از آغاز تا پایان دوره صفوی. *مطالعات معماری ایران*، سال پنجم (۱۰)، ۲۲۸-۲۰۷.
- نجفی‌نژاد، سعید؛ جدیدی، ناصر و یوسف جمالی، محمد کریم (۱۳۹۶). بروز و ظهور باورهای شیعی در سیاست مذهبی شاه طهماسب اول صفوی. *شیعه‌پژوهی*، سال چهارم (۱۳)، ۱۴۵-۱۲۱.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۸۵). **نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار**. چاپ اول، تهران: معین.
- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۵۰). **گنجینه آثار تاریخی اصفهان**. چاپ اول، اصفهان: کتاب‌فروشی ثقفی.

Received: 2020/04/11
Accepted: 2021/01/31

Analysis of permissible water inscriptions in Jame' Mosque of Esfahan

Abdul Reza Kargar* **Fatemeh Ghanbari Sheikhshabani****

Abstract

The inscription dedicated to permissible water in the Isfahan Grand Mosque is one of the most valuable endowment letters of the Safavid period. The content of the above inscription refers to the name of Amir Aslan bin Rostam Sultan Laleh Afshar Arshlou, who during the reign of Shah Tahmasb I, by digging a river, brought the permissible water to the mosque and dedicated it to this building. This research has been written for the first time with the aim of analyzing the above inscription and answering questions regarding the reasons for transferring water to the Isfahan Grand Mosque and speculating its route. The investigation is based on library, field and analytical studies. Research data is also collected based on field information (reading inscriptions) and library information (visual documents, books and articles). The results of the study showed that by examining the political and social conditions of the Safavid period, it became clear that the establishment of the central government, the recognition of the Shiite religion and social and economic security have been effective factors in creating a suitable environment for expanding endowment. In some cases, endowment has been a political move to get closer to the king and the court, or to keep the property safe. Dedication of property has also contributed to the political and social reputation of the courtiers. It seems that the role and influence of scholars in the political and social structure in the Safavid period has caused us to witness many endowments in this period. (Referring to the role of Sheikh Ali Manshar as Sheikh of Islam at the time in Isfahan). Acquiring the reward of the Hereafter and leaving a good name for oneself has been another motivation for the waqf for waqf. It also appears that the above stream was an independent river that was dug only to supply water to the Isfahan Grand Mosque, and that the city's structure at the time, despite its gardens and groves, made this possible. It also seems that with the capital city of Isfahan, at the same time with the construction of a comprehensive urban plan in the Safavid period, the Isfahan Grand Mosque was destroyed and the above inscription was destroyed due to secrecy (not continuing the endowment) or negligence in the pipeline. The water of the mosque has been hidden and this has caused the destruction of the above river, and that is why, among all the detailed descriptions of the tourists from the Isfahan Grand Mosque, there has never been any mention of the flow of running water from inside the mosque.

Keywords: Inscription water permissible, Jame' Mosque of Esfahan, Waqf, Madi Fadan, Safavid era

* Master of Restoration, Isfahan, Iran. *a.rezakargar@gmail.com*
** Master of Architecture, Isfahan, Iran. *fatemehghanbari27@gmail.com*